



اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۶

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: یاسر سعادت‌ی

در درس های قبل، گذشت که به چهار روایت بر حجیت استصحاب ت مسک شده است . بعد از بحث از صحیحۀ اول زرارۀ (صحیحۀ نوم) به بحث فقہ الحدیث صحیحۀ دوم زرارۀ «صحیحہ رعاف» پرداختیم و گفتیم که در این روایت، شش سؤال از جانب زرارۀ مطرح شده که به هر سؤال به همراه جوابی که امام (ع) فرموده است فقره اطلاق می کنیم. از میان این فقرات، به فقرۀ سوم و ششم برای حجیت استصحاب تمسک شده است.

شهید صدر (ره) در فقہ الحدیث سؤال سوم، چهار احتمال مطرح کردند که سه احتمال از این احتمالات گذشت . در این درس، به بررسی فرضیۀ چهارم پرداخته و مطلب را در مورد فقرۀ سوم تمام می کنیم و بعد از توضیح مختصری در مورد فقہ الحدیث فقرۀ چهارم و پنجم که خارج از بحث استصحابند ، به فقرۀ ششم روایت که دومین موضع استلال بر استصحاب است می پردازیم.

الفرضية الرابعة: عكس الفرضية الأولى بافتراض الشك حين الفحص و حين الوجدان. و لا مجال حينئذ لقاعدة اليقين إذ لم يحصل شك في خطأ يقين سابق، و هناك مجال لجريان الاستصحاب حال الصلاة و حال السؤال معاً.

و من هنا يعرف أن الاستدلال بالمقطع المذكور على الاستصحاب موقوف على حمله على إحدى الفرضيتين الأخيرتين، أو على الفرضية الثانية مع استظهار إرادة الاستصحاب.

و في السؤال الرابع: سأل عن حالة العلم الإجمالي بالنجاسة في الثوب، و أوجب بلزوم الاعتناء و الاحتياط.

و في السؤال الخامس: سأل عن وجوب الفحص عند الشك، و أوجب بالعدم.

و في السؤال السادس: يقع الموضوع الثاني من الاستدلال بالرواية، حيث أنه سأل عما إذا وجد النجاسة في الصلاة، فأجيب بأنه إذا كان قد شك في موضع منه ثم رآه قطع الصلاة و أعادها، و إذا لم يشك ثم رآه رطباً غسله و بنى على صلاته لاحتمال عدم سبق النجس و لا ينبغي أن ينقض اليقين بالشك.

توضیح فرضیه چهارم فقره سوم صحیحہ رعاف

فرضیه چهارم مبتنی بر دو شک می باشد و همانطور که از فرضیه های پیش مشخص شد، ما برای هر فرضیه، دو بند ذکر می کنیم؛ یک بند، مربوط به هنگام فحص که قبل از نماز است و بند دوم، مربوط به بعد از نماز و زمانی که نجاستی رؤیت شده است.

دو بند در فرضیه چهارم عبارتند از:

الف) شک در وقت نماز که عبارت است از: شک در نجاست لباس در قبل از نماز.

ب) شک در حال سؤال که عبارت است از: شک در وحدت نجاست رؤیت شده در بعد از نماز با نجاستی که اصلیت آن در قبل از نماز مشکوک بود؛ یعنی شک در این است که آیا این نجاست رؤیت شده در بعد از نماز، همان نجاستی است که در قبل از نماز اصابت آن به لباس مشکوک بود، یا نه؟

توضیح: زرارہ قبل از نماز و زمانی که اصل اصابت نجاست را فحص کرده است، به طهارت لباس شک کیده است و بعد از فراغ از نماز و زمانی که در لباس نجاستی را مشاهده کرد، شک می کند که آیا این همان نجاستی است که قبل از نماز احتمال اصابتش را می داد یا این که نجاست دیگری است که بعداً اصابت کرده است. این دقیقاً عکس فرضیه اول است؛ زیرا در آنجا فرض بر این بود که قبل از نماز، وقتی فحص کرد، به عدم اصابت نجاست یقین پیدا کرد و بعد از فراغ از نماز و دیدن نجاست بر لباس، یقین کرد که این نجاست همان نجاست سابقی است که قبل از نماز از آن فحص کرده و نیافته بود.

امکان اجرای استصحاب هم نسبت به حال سؤال و هم نسبت به حال نماز در فرضیه چهارم

فرضیه چهارم هم نسبت به حال سؤال و هم نسبت به حال نماز مجرای استصحاب می باشد؛ زیرا در این فرضیه، نسبت به هر دو حالت، هر دو رکن استصحاب که یقین سابق و شک لاحق است تمام می باشد؛ چون هم در حال نماز و هم در حال سؤال، شک مکلف فرض شده است که هر دو شک، مسبوق به یقین به طهارت می باشد؛ زیرا مکلف قبل از شک در نجاست، به عدم نجاست یقین داشته است - زیرا اولاً هر کسی عادتاً یقین دارد لباسش حداقل در یک زمانی و لو زمانی که پارچه و نخ بوده، طاهر بوده است ثانیاً عبارت «ظننت أنه قد اصابه» بدست می آید که قبل از حدوث نجاست یقین به عدم نجاست داشته است. - بنابر این این فرضیه هم نسبت به حال نماز و هم نسبت به حال سؤال (بعد از نماز) برای استصحاب مجال دارد.

عدم جریان قاعده یقین در فرضیه چهارم

این فرضیه، هیچ مجالی برای قاعده یقین ندارد؛ زیرا برای اجرای این قاعده باید یقینی وجود داشته باشد که در صحت آن شک حاصل شود؛ یعنی شک بر خود آن یقین سابق عارض شود و آن را مخدوش کند. اما در این فرضیه تنها یک یقین است که تزلزلی در آن راه پیدا نکرده و ثابت می باشد؛ زیرا یقین به طهارت سابق (قبل از گمان به اصابت نجاست) حتی بعد از رؤیت نجاست (بعد از فراغ از نماز) به قوت خود باقی است.

متن عربی و نکات تطبیقی

الفرضية الرابعة: عكس الفرضية الأولى بافتراض (۱) الشك حين الفحص (۲) و حين الوجدان (۳). و لا مجال حينئذ (۴) لقاعدة

اليقين إذ لم يحصل شك في خطأ يقين سابق، و هناك (۵) مجال لجريان الاستصحاب حال (۶) الصلاة و حال السؤال معاً.

۱. متعلق جار و مجرور: عكس؛ یعنی به سبب چنین فوضی، این فرضیه، عکس فرضیه اول می شود.

۲. یعنی: هنگام جستجوی نجاست قبل از ورود در نماز، در اصابت نجاست به لباس شک می کند.

۳. یعنی: بعد از اتمام نماز و هنگامی که نجاستی را در لباس خود یافت، شک می کند که آیا این نجاست همان نجاست مورد فحص در قبل از نماز است یا نجاست دیگری است که بعد از نماز، به لباس اصابت کرده است.

۴. یعنی: در وقتی که نسبت به حال نماز و حال سؤال، فقط شک فرض شده است نه یقین.

۵. مشار الیه: الفرضية الرابعة.

۶. مفعول فيه «جرطن».

جمع بندی فرضیه های چهارگانه:

فرضیه نخست، مجالی برای هیچ یک از قواعد شک نداشت؛ بنابراین باید از بین این احتمالات کنار گذاشته شود؛ زیرا قطعاً این روایت را نمی شود بر آن منطبق کرد. اما فرضیه دوم هم با قاعده یقین سازگار بود و هم با قاعده استصحاب؛ بنابراین با این شرط برای استدلال مفید خواهد بود که از آن، استظهار اراده استصحاب شده و اجمال آن برطرف شود و گر نه اگر بین قاعده یقین و استصحاب مردد باشد، برای استدلال بر حجیت استصحاب، مفید نخواهد بود.

اما فرضیه سوم و چهارم، برای استدلال مفید هستند؛ زیرا در این دو فرضیه، فقط برای استصحاب مجال وجود دارد؛ اما این تفاوت را داشتند که در فرضیه سوم، صرفاً نسبت به حال سؤال، مجالی برای استصحاب فراهم بود. اما در فرضیه چهارم، هم نسبت به حال نماز و هم نسبت به حال سؤال، استصحاب جاری می شود.

نتیجه: چون فرضیه اول، قطعاً مراد سائل و امام (ع) نبوده است، مشکلی برای استدلال ایجاد نمی کند و از دایره احتمالات خارج می شود.

اما برای استدلال به این فقره از روایت (سؤال سوم) یا باید این فقره را بر فرضیه سوم و چهارم حمل کنیم؛ بدین گونه که این دو احتمال، در برابر احتمال دوم تقویت شوند و احتمال و فرضیه دوم نیز از دایره احتمالات خارج شود؛ زیرا با توجه به اجمالی که در فرضیه دوم وجود داشت، استدلال به این فقره حتی با وجود احتمال سوم و چهارم صحیح نخواهد بود؛ به این دلیل که اجمال در واقع در کل این فقره پدید آمده است. و یا اگر می خواهیم به فرضیه دوم تمسک کرده و این فقره را بر آن حمل کنیم، باید استظهار کنیم که امام (ع) در این فرضیه، اراده استصحاب نموده است و اجمال آن را برطرف کنیم.

متن عربی و نکات تطبیقی:

و من هنا (۱) يعرف أن الاستدلال بالمقطع (۲) المذكور (۳) على الاستصحاب (۴) موقوف على حمله (۵) على إحدى (۶)

الفرضيتين الأخيرتين، أو على الفرضية (۷) الثانية مع استظهار إرادة الاستصحاب.

۱. مشار الیه: فقه الحدیث فقره سوم از صحیحہ رعاف که چهار فرضیه در مورد آن مطرح است.

۲. متعلق جار و مجرور: الاستدلال.

۳. یعنی: سؤال سوم زراره.

۴. متعلق جار و مجرور: الاستدلال.

۵. مرجع ضمیر: المقطع المذكور. متعلق جار و مجرور: موقوف.

۶. متعلق جار و مجرور: حمله.

۷. معطوف علیه: «علی إحدى الفرضيتين الأخيرتين».

Sco ۱: ۱۰:۱۴

فقه الحدیث سؤال چهارم زراره در صحیحہ رعاف

مطالبی که گذشت پیرامون فقه الحدیث سؤال سوم در صحیحہ رعاف بود. اکنون وارد بحث در مورد سؤال چهارم و پنجم می‌شویم. البته این دو سؤال، مانند سؤال اول و دوم بحث چندانی ندارد و اصلاً برای استدلال هم نبوده و ارتباطی با استصحاب ندارد.

در سؤال چهارم، زراره می‌پرسد: اگر به اصابت نجاست به لباس علم اجمالی داشتم اما جای برخورد نجاست با لباس را نمی‌دانستم حکمش چیست؟ امام (ع) پاسخ می‌دهد: باید آن ناحیه و محدوده‌ای را بشویی که می‌دانی نجاست خارج از آن نیست تا به طهارت لباست یقین کنی و بعد وارد نماز شوی.

متن عربی و نکات تطبیقی

و فی السؤال (۱) الرابع: سأل (۲) عن حالة (۳) العلم الإجمالی بالنجاسة (۴) فی الثوب (۵)، و أجیب (۶) بلزوم (۷) الاعتناء (۸) و الاحتیاط.

۱. متعلق جار و مجرور: سأل.

۲. فاعل: ضمیر مستتر «هو» و مرجع آن زراره می‌باشد.

۳. متعلق جار و مجرور: سأل.

۴. متعلق جار و مجرور: العلم الإجمالی.

۵. متعلق جار و مجرور: النجاسة.

۶. نائب فاعل: ضمیر مستتر «هو» و مرجع آن زراره می‌باشد.

۷. متعلق جار و مجرور: أجیب.

۸. یعنی: ترتیب اثر دادن به این علم اجمالی.

فقه الحدیث فقره پنجم صحیحہ رعاف

سؤال پنجم در حقیقت، سؤال از وجوب فحص در ش بهات موضوعیه است. یعنی زراره می‌پرسد: آیا در شک بدوی موضوعی در اصل نجاست، فحص و جستجوی از آن نجاست واجب است یا نه؟ امام (ع) در جواب می‌فرماید: فحص در این گونه شبهات واجب نیست اگر چه جایز است و موجب ازاله شک می‌شود.

متن عربی و نکات تطبیقی

و فی السؤال (۱) الخامس: سأل عن وجوب الفحص (۲) عند الشک (۳)، و أجیب بالعدم (۲).

۲. متعلق جار و مجرور: سأل.

۳. متعلق جار و مجرور: الفحص. یعنی: سأل زراره عن وجوب الفحص عند الشك البدوی فی الشبهات الموضوعیه.

۲. متعلق جار و مجرور: أجیب. یعنی: أجاب الامام(ع) بعدم الوجوب.

Sco^۲: ۱۳:۲۹

فقه الحدیث سؤال ششم زراره در صحیحہ رعاف

تا اینجا پرسش های پنج گانه ای که در حدیث رعاف مطرح بود کاملاً بررسی و فقه الحدیث آن توضیح داده شد. اما پرسش ششم که اکنون از آن بحث می کنیم، دومین موضع استدلال بو حجیت استصحاب بوده و از موضع اول مهم تر است.

زراره در این سؤال، فرض را بر این قرار داده که نماز را شروع کرده و ناگهان در اثناء نماز، نجاستی را در لباس خود دیده است. امام(ع) در بیان حکم این فرض بین دو حالت تفصیل داده اند:

الف) حالتی که مکلف پیش از نماز در نجاست لباس خود شک کند، سپس در اثناء نماز، همان نجاست را در لباس خود ببیند.

حکم امام(ع): نماز در این صورت، محکوم به بطلان است؛ بنابراین باید نماز را شکسته و بعد از تطهیر لباس، نماز را اعاده کند.

ب) حالتی که مکلف پیش از نماز، شکی در نجاست لباس نداشته اما در اثناء نماز ناگهان نجاست تازه ای را در لباس خود می بیند؛ به طوری که احتمال می دهد این نجاست الآن به لباس او برخورد کرده است.

حکم امام(ع): «باید مدت کوتاهی از ادامه نماز دست کشیده و لباس خود را تطهیر کند و بعد نماز خود را ادامه داده و کامل کند».

بیان علت حکم از زبان امام(ع): «چون مکلف، احتمال می دهد نجاست تازه ای که دیده است قبل از نماز وجود نداشته و در همین اثناء نماز عارض شده است، باید بناء را بر یقین به طهارتی که قبل از نماز مورد قطع بود ه بگذارد و نباید آن یقین را با شک نقض کند».

متن عربی و نکات تطبیقی

و فی السؤال السادس(۱): يقع الموضع الثانی من الاستدلال(۲) بالروایة(۳)، حیث أنه(۴) سأل(۵) عما إذا وجد(۶) النجاسة فی

الصلاة، فأجیب(۷) بأنه إذا كان قد شك(۸) فی موضع منه(۹) ثم رآه(۱۰) قطع الصلاة و أعادها(۱۱)

۱. متعلق جار و مجرور: «يقع». یعنی: يقع الموضع الثانی من الاستدلال بالروایة فی السؤال السادس.

۲. متعلق جار و مجرور: «كان» محذوف.

۳. متعلق جار و مجرور: الاستدلال.

۴، ۵، ۶، ۷، ۸. مرجع ضمیر: زراره.

۹ و ۱۰. مرجع ضمیر: «ثوب».

۱۱. مرجع ضمیر: الصلاة.

و إذا لم يشك ثم رآه (۱) رطباً (۲) غسله (۳) و بنی علی صلاته (۴) لاحتمال (۵) عدم سبق النجس و لا ینبغی (۶) أن ینقض
الیقین بالشک.

۱. مرجع ضمیر: «دم».

۲. یعنی: باید نجاست به گونه ای باشد که این احتمال داده شود که این نجاست به تازگی و در اثناء نماز عارض شده
است.

۳. مرجع ضمیر: موضع النجاسة من الثوب.

۴. مرجع ضمیر: زرارہ.

۵. متعلق جار و مجرور: دو فعل «غسله» و «بنی» که جار و مجرور، بیانگر علت آن دو می باشد.

۶. تذکر: «لا ینبغی» در اینجا و در بسیاری از موارد دیگر، دال بر تحریم است نه کراهت.

Sco^۳: ۱۸:۲۷

۱. فرضیه چهارم، عکس فرضیه اول - که مبتنی بر دو یقین بود - مبتنی بر دو شک می باشد؛ بدین صورت که مکلف قبل از نماز، در برخورد نجاست به لباسش شک داشته و بعد از نماز؛ یعنی در وقت سؤال، شک دارد این نجاستی که دیده آیا همان نجاستی است که قبل از نماز، احتمال اصابش را می داد یا این که نجاست دیگری است.
۲. در فرضیه چهارم، هم نسبت به حال نماز و هم نسبت به حال سؤال، استصحاب جاری است. اما قاعده یقین مجالی برای جاری شدن ندارد.
۳. برای استدلال بر استصحاب طبق فقره سوم صحیحۀ رعاف، یا باید این فقره، بر یکی از دو فرضیه سوم و چهارم حمل شود و یا این که بر فرضیه دوم حمل شود؛ مشروط بر این که اجمال این فرضیه بر طرف شده و از آن، استظهار اراده استصحاب شود.
۴. در فقره ششم، امام (ع) در جواب زراره بین دو حالت، تفصیل داده اند و در بیان حکم حالت دوم و علت این حکم، فرمودند: «احتمال این هست که این نجاست تازه قبل از نماز وجود نداشته پس باید بنا را بر یقین سابق، به طهارت گذاشته و نماز را صحیح دانست.» که این عبارت دال بر حجیت استصحاب است.